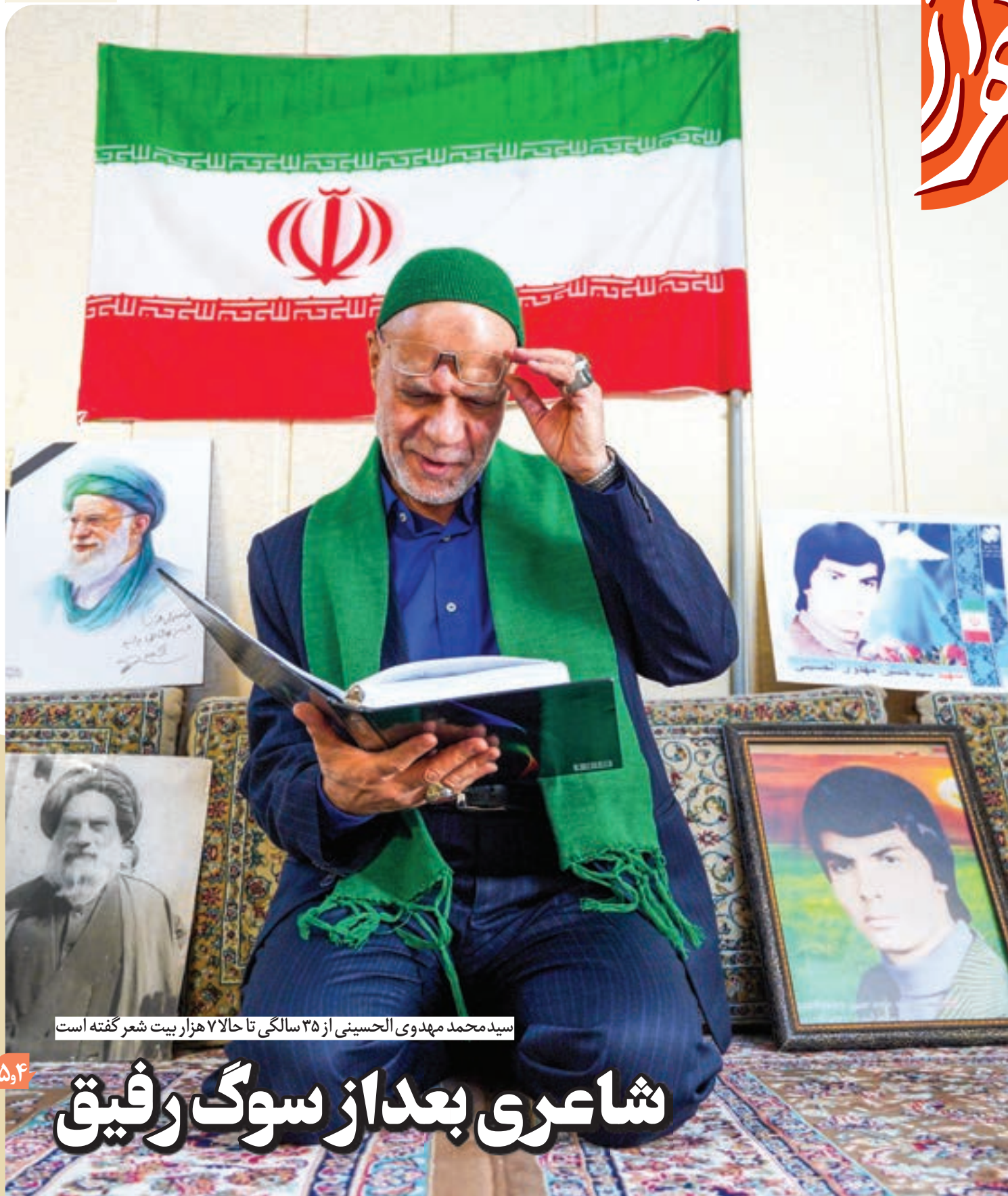




سید محمد مهدوی الحسینی از ۳۵ سالگی تا حالا ۷ هزار بیت شعر گفته است

۵۴

شاعری بعد از سوگ رفیق

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

احمد ثقفی خاطرات ریز و درشتی از زندگی در محله امام رضا(ع) دارد
 پای منبر شاگردم نشست

۶



کسبه و ساکنان محدوده سرشور ۱۲ و ۱۴ از وضعیت آسفالت این معبر گلایه دارند
 سرشور ناهموار

۳

نمایشگاه دست سازه های چوبی ۶۰ دانش آموز در موزه بزرگ خراسان برپا شد
 جادوگران کوچک سرزمین چوب

۷

همسایه به همسایه، دیدار بیست و سوم، کوچه شهید دهستانی ۱۴

همدلی «دهستانی» ها

سمیرا منشادی هنوز هم در بعضی کوچه پس کوچه های شهر می توان روابط همسایگی قدیمی را دید. همسایه هایی که در خانه شان به روی یکدیگر باز است و در غم و شادی هم سهیم اند. کوچه شهید دهستانی ۱۴ در محله مقدم، یکی از همین کوچه هاست که ساکنانش سال هاست کنار هم زندگی می کنند و همین هم جواری، میان نشان صمیمیتی ایجاد کرده که با گذشت زمان از بین نرفته است. در این کوچه اگر کسی بیمار شود، همسایه ها به عیادتش می روند و اگر مراسمی باشد، همه برای برگزاری آن پای کار می آیند. اهالی کوچه شهید دهستانی ۱۴ معتقدند حال خوبشان را مدیون همین مهربانی ها و همراهی های ساده ای هستند که سال هاست میان نشان جریان دارد.

پای کار فرهنگی

آرزو میا بادی متولد و بزرگ شده این کوچه است. کودکی اش را در همین معبر گذرانده و حالا یکی از بانوان فعال فرهنگی و فرمانده پایگاه بسیج مسجد حقیقی در محله شان است. او از کودکی با محیط مسجد انس گرفته و همین الفت باعث شده در بزرگ سالی فعالیت های زیادی برای دختران محله اش انجام دهد. میا بادی می گوید: اولین آشنایی ام با مسجد در نمازهای جماعت با روضه هایی شکل گرفت که به همراه مادرم شرکت می کردم. همین موضوع باعث شده بود همسایه ها و مسجدی ها را بشناسم. آرزو خانم که از همان کودکی دوست داشته است در کارهای محله فعال باشد، ارتباطش با اهالی را این طور توصیف می کند: همسایه های کوچه قدیمی هستند و یکدیگر را سال هاست که می شناسند. در برگزاری جشن ها و عزاداری ها به هم کمک می کنند. او مادر سه فرزند است و با همه مشغله هایش، باز هم کارهای فرهنگی محله را در دست دارد. آرزو خانم میا بادی برای دختران محله برنامه های مختلفی از جمله حلقه صالحین و اردوی زیارتی و تفریحی برگزار می کند؛ از این رو بیشتر دختران نوجوان، او را می شناسند.



مادر بزرگ مهربان محله

آرزو خانم همسایه قدیمی شان، مادر شهید کریم زادگان را به مامعرفی می کند و می گوید: حاج خانم فاطمه منتظر ابیدی را که بین اهالی محله با نام مادر شهید کریم زادگان معروف است، از کودکی می شناسم. همیشه در خانه اش به روی اهالی کوچه باز است. بانوی با محبتی که همه همسایه ها را مانند فرزندانش دوست دارد و در کارها پشتیبانی شان می کند.

فاطمه خانم، مادر بانوان و مادر بزرگ دختران محله است. خوش اخلاق است و دل نشین و گرم صحبت می کند. نصیحت هایش همیشه کارگشای بانوان محله است. به همین دلیل هر زمان که آن ها مشکلی دارند، سراز خانه فاطمه خانم در می آورند. این مادر شهید چند سالی است که یک اتاق از خانه اش را در اختیار اتاق دختران حضرت خدیجه (س) مسجد حقیقی قرار داده است. او می گوید: از این که دختران در خانه ام جمع می شوند و در اینجا با ائمه (ع) و مفاهیم معنوی آشنایی شوند، حس خوبی دارم. این همان راهی است که پسرم سعید دوست داشت. او ادامه می دهد: کمک به همسایه ها را دوست دارم؛ هر کاری که از دستم بر بیاید می خواهم انجام دهم، از مشورت دادن تا اینکه خانه ام را در اختیارشان بگذارم.

جویای احوال همسایه ها

معصومه فرح تقی آبادی را حاج خانم کریم زادگان معرفی می کند و می گوید: یکی از بانوان فعال در محله است و روضه خانگی دارد. روضه ای که از دهه ۶۰ برگزار می شده و برای همه بانوان کوچه و حتی محله شناخته شده است. او مداح اهل بیت (ع) است و برخی از بانوان محله او را به مداحی های زیبایی که در مجالس انجام می دهد، می شناسند. معصومه خانم همیشه جویای احوال همسایه هاست و هر کدام از آن ها که در روضه و دوره قرآن غیبت داشته باشند، سراغشان را می گیرد. او می گوید: اگر همسایه ها را نبینیم به سراغشان می روم. گرفتاری و بیماری برای همه هست؛ اگر در این روزها به زمانی می خواهم به یکدیگر کمک کنیم؟ صمیمیت و مهربانی اهالی کوچه، یکی از دلایل ماندگاری معصومه خانم در این کوچه است.



در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) صورت گرفت

لذت تماشای دسته جمعی فیلم

فرامرزی مسجد محله کوی کارگران که از مساجد محوری این محله است، برای کودکان فیلم اکران کرد.

بچه ها در مسجد و مجتمع حضرت ابوالفضل (ع)، میهمان انیمیشن «افسانه سپهر» بودند و لذت تماشای دسته جمعی فیلم را تجربه کردند. نزدیک به هزار نفر در برنامه اکران رایگان فیلم حضور داشتند. اهدای جوایز به کودکان و ثبت نام کلاس های تابستانی برای مادران، از دیگر بخش های این برنامه شاد و پر محتوا بود.



افتتاح دارالقرآن حضرت ابوالفضل (ع) به همت خیران محلی

دارالقرآن حضرت ابوالفضل (ع) در محله کوی کارگران افتتاح شد. در این مراسم رضا دوری، شهردار منطقه ۷، نیز حضور داشت. این دارالقرآن که در خیابان فداییان اسلام ۱۶ قرار دارد، در اولین اقدام بعد از افتتاح، برنامه کلاس های تابستانی را اعلام کرد که شامل کلاس های حفظ، روخوانی و روان خوانی، تجوید و تدبر در آیات قرآن است. مهد قرآنی ویژه نونهالان نیز در فصل تابستان دایر است.



قصه های قرآنی در دل اجتماعات پهنه شهید اصلانی

هم زمان با برگزاری اجتماعات شبانه در خیابان شهید اصلانی ۱۳، نوجوانان دختر و پسر مسجد المهدی (ع) در محله سیدی، پای قصه های قرآنی محمد کارگر، یکی از بسیجیان این مسجد، نشستند. در این برنامه، داستان های قرآنی به زبانی ساده برای نوجوانان روایت شد و پس از آن بینشان پرسش و پاسخ برگزار شد. در پایان نیز به شرکت کنندگان جوایزی اهدا شد.

اهدای ۵ سری جهیزیه به نوجوانان

به همت مؤسسه خیریه بیت الزهرا (س) واقع در محله هفده شهریور، پنج سری جهیزیه به نوجوانان اهدا شد. این جهیزیه ها شامل لوازم ضروری زندگی مانند گاز، یخچال، ظروف آشپزخانه بود که به نوجوانان نیازمند حاشیه شهر اهدا شد. ریش سفیدان و فعالان فرهنگی هر محله، نوجوانان بی بضاعت را به این مؤسسه معرفی کردند.



کسبه و ساکنان محدوده سرشور ۱۲ و ۱۴ از وضعیت آسفالت این معبر گلایه دارند

سرشور ناهموار



نجمه موسوی زاده بازار سرشور از آن معبرهایی است که هر روز زائران، کسبه و ساکنان بسیاری از آن عبور می کنند. وجود مهمان پذیرها و هتل آپارتمان های متعدد، اهمیت بهسازی این مسیر را دوچندان کرده است. این در حالی است که آسفالت خیابان در این راسته بازار وضعیت مناسبی ندارد و به یکی از مطالبات شهروندان تبدیل شده است؛ موضوعی که بارها با سامانه ۱۳۷ شهرداری در میان گذاشته شده است. در میان نقاط مختلف بازار، محدوده بین کوچه های سرشور ۱۲ و ۱۴ بیشترین تعداد تماس و درخواست بهسازی آسفالت را در این سامانه داشته است.

داستان آسفالت چهل تکه

مغازه محمد حق پناه، بین کوچه سرشور ۱۲ و ۱۴ قرار دارد. او آسفالت جلو مغازه را نشان می دهد و می گوید: این تکه تکه شدن آسفالت نتیجه لکه گیری هایی است که هر چند وقت یک بار انجام می شود. شهرداری یک قسمت را آسفالت می کند و می رود؛ چند ماه بعد، یک نقطه دیگر خراب می شود. و دوباره آسفالت می ریزد و این داستان مرتب تکرار می شود. او ادامه می دهد: اگر از اول تا آخر خیابان رانگاه کنید، معلوم است که هر قسمت در یک زمان آسفالت شده است. انگار هر جا مشکل پیدا کرده، فقط همان جا را درست کرده اند. به طوری که الان خیابان شبیه یک توپ چهل تکه شده است. عباس طلوع یکی دیگر از کسبه و همسایه حق پناه است. او می گوید: مهمان پذیرها و هتل آپارتمان های زیادی در سرشور قرار دارد و همین موضوع باعث شده است زائران بسیاری از این معبر رفت و آمد کنند. وقتی شهر مشهد به عنوان یک شهر زائر پذیر و پایتخت معنوی کشور معرفی می شود، حداقل کاری که باید برای آن کرد، همین است که خیابان های آن به ویژه اطراف حرم امام رضا^(ع) بهسازی شود.

دردسری برای سالمندان

او با بیان اینکه خانه اش در کوچه کنار مغازه اش قرار دارد، توضیح می دهد: بارها دیده ام ویلچر سالمندان روی همین ناهمواری ها گیر می کند یا همراهانشان برای عبور دادن ویلچر به زحمت می افتند. بعضی قسمت ها آن قدر پستی و بلندی دارد که آن ها مجبور می شوند مسیرشان را عوض کنند.

حسین رضایی، یکی از ساکنان قدیمی محله، نیز معتقد است مشکل بازار سرشور بالکه گیری رفع نمی شود. او می گوید: چند سال است که همین وضعیت را می بینیم. یک چاله ایجاد می شود، می آیند پرش می کنند، بعد چند متر آن طرف تر دوباره آسفالت نشست می کند. او ادامه می دهد: موقع بارندگی به دلیل همین پستی و بلندی ها شاهد آب گرفتگی هستیم. آب گرفتگی هایی که شاید برای خودروها به چشم نیاید، اما برای عابران پیاده به ویژه سالمندان دردسری ایجاد می کند. یک بار دیدم کالسکه یک خانم در همین چاله آب گیر کرد و چرخ کالسکه در رفت. مادر بچه با سختی و با بچه در بغل از این مسیر عبور کرد.

اجرای روکش آسفالت سرشور ۱۲ و ۱۴ در هفته جاری

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸ توضیح می دهد: این معبر دارای طرح جمع آوری آب های سطحی است و تا زمان اجرای این طرح، امکان اجرای روکش آسفالت به صورت کامل در سراسر آن وجود ندارد. سبحان ضیایی ادامه می دهد: تا پیش از اجرای این طرح، نقاطی که از نظر ایمنی دارای مشکل باشند، به صورت موردی آسفالت و اصلاح می شوند.

وی می افزاید: با توجه به تعداد زیاد درخواست های مردمی، محدوده بین کوچه های سرشور ۱۲ و ۱۴ در هفته جاری، روکش آسفالت خواهد شد. رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸ یادآور می شود: اجرای طرح جمع آوری آب های سطحی این معبر برای سال آینده برنامه ریزی شده است.

این معبر با وجود قرار گرفتن در کنار ساختمان شهرداری منطقه ۸، وضعیت نامناسبی دارد.

اقدام فوری برای رفع مشکلات

شهردار منطقه ۸ نیز در حاشیه این بازدید با تأکید بر اهمیت رسیدگی به مطالبات شهروندان گفت: بازدیدهای میدانی با هدف شناسایی دقیق مشکلات محلات و تسریع در روند رفع آن ها انجام می شود.

حسن صالحی مفرد با بیان اینکه تلاش مایلین است که درخواست های مردمی در کوتاه ترین زمان ممکن بررسی شود و در اولویت اجرایی قرار گیرد، افزود: بهسازی معابر ارتقای ایمنی پیاده روها و بهبود وضعیت بهداشت محیط از جمله موضوعات مهمی است که به صورت ویژه در دستور کار مدیریت شهری منطقه قرار دارد.

شهردار منطقه ۸ پس از بررسی میدانی مسائل مطرح شده، روکش آسفالت خیابان امام رضا^(ع) را یکی از اولویت های اجرایی منطقه اعلام کرد. او همچنین بهسازی پیاده رو خیابان شهید فیاض بخش، اصلاح مسیر تردد نابینایان، هرس درختان ولای رومی کانال های سطح معبر را در دستور کار فوری قرار داد.

بر اساس پیگیری های انجام شده، کمتر از ۴۸ ساعت پس از این بازدید، عملیات اجرایی روکش آسفالت خیابان امام رضا^(ع) آغاز شد. همچنین هرس درختان، لای رومی کانال ها و طعمه گذاری برای جوندگان در این محدوده انجام گرفت.

نجمه موسوی زاده شهردار منطقه ۸ به همراه معاون فرهنگی، رؤسای ادارات منطقه و جمعی از اعضای شورای اجتماعی محله امام رضا^(ع)، با هدف بررسی میدانی مشکلات و مطالبات شهروندان از معابر مختلف این محله بازدید کردند. در این برنامه، از وضعیت آسفالت خیابان امام رضا^(ع) و همچنین پیاده رو خیابان شهید فیاض بخش بازدید شد و اهالی نیز مشکلات محله را به گوش شهردار رساندند.

از آسفالت نامناسب تا جولان موش ها

در این بازدید فاطمه غفوریان، عضو شورای اجتماعی محله امام رضا^(ع)، از وضعیت آسفالت خیابان امام رضا^(ع) گلایه کرد و گفت: با توجه به اینکه این خیابان از معابر اصلی شهر مشهد محسوب می شود و زائران بسیاری از این معبر به حرم مطهر امام رضا^(ع) مشرف می شوند، نیاز است که آسفالت معبر بهسازی شود. احمد ثقفی، یکی از ساکنان این محله، از جولان موش ها در انتهای خیابان امام رضا^(ع) خبر داد و بیان کرد: این موضوع سبب ورود این جانوران به برخی خانه ها شده است.

او همچنین از بوی نامطبوع کانال در محدوده انتهایی خیابان و مجاورت ترمینال گلایه کرد.

یکی دیگر از ساکنان نیز با اشاره به فرسودگی پیاده رو خیابان شهید فیاض بخش توضیح داد: سال هاست

پس از بازدید شهردار منطقه ۸، مشکلات مطرح شده ساکنان محله امام رضا^(ع) طی یک هفته برطرف شد

رسیدگی فوری به درخواست های اهالی



سید محمد مهدوی الحسینی از ۳۵ سالگی تاکنون ۷ هزار بیت شعر گفته است

شاعر شدن بعد از سوگ رفیق

داستان جلد

سوگل موسوی اکلاه سبز سیدی به سر دارد و عینکی دور ضخیم روی صورت. از هر چند جمله اش، ناشد است که یکی شعر نباشد. با همین شعرهایی که می‌گوید، زود با مردم آخت می‌شود. وقتی خودم را خبرنگار معرفی می‌کنم، در وصف شهرآورد محله و خبرنگارانش، در لحظه، شعری می‌سراید. او درباره موضوعات روز مثل گرانی دلار و سکه، حماسه حضور مردم در خیابان، جنگ تحمیلی سوم و دشمنی آمریکا و اسرائیل با مردم کشورمان و... شعر سروده است.

سید محمد مهدوی الحسینی برای هر رخدادی شعر می‌نویسد و با این کار باعث دلگرمی و حال خوب دیگران می‌شود؛ مثلاً وقتی باخبر می‌شود همسایه اش از دنیا رفته است، وقتی به او اطلاع می‌دهند یکی از اقوام نزدیکش صاحب اولاد شده، حتی وقتی برای آشنایی نام کسی را می‌پرسد، فوری کلمه‌ها را ردیف می‌کند.

بیشتر سروده‌های آقاسید محمد نصرت و شش ساله در قالب غزل است و حالا مجموعه اشعارش به حدود ۷ هزار بیت رسیده است. با این حال، هر بار که او را شاعر می‌خوانند، پاسخ یکسانی می‌دهد: «من شاعر نیستم؛ دلی اییاتی می‌سرایم». این ساکن قدیمی محله پروین اعتصامی، سال‌ها کارمند مخابرات بوده است. در کودکی زمانی که چهار سال داشت، پدرش را از دست داد. در روزهای انقلاب، همراه با برادر بزرگ ترش در راهپیمایی‌ها و برای پخش اعلامیه شرکت می‌کرد و شهادت برادرش سید حسین را در بجه‌انقلاب دیده است. چند ماهی هم در دوران دفاع مقدس در جبهه حضور داشت. اما جالب آنکه شعر گفتن رانه در نوجوانی و جوانی، بلکه از سی و پنج سالگی، آن هم در سوگ یکی از بستگانش، آغاز کرد. آن یک شعر سال هابعد به ۷ هزار بیت، ده‌ها مناجات و سروده‌های آیینی و اجتماعی تبدیل شد؛ شعرهایی که این روزها در اجتماعات شبانه مردمی هم می‌خوانند و شور و حال خاصی به اجتماعات بخشیده است.

عقد اخوت پدر با آیت... بروجردی

مهدوی که متولد و بزرگ شده قائن است، در خانواده‌ای بزرگ شد که پدرش یکی از علمای بزرگ شهر بود. اما از پدرش فقط یک خاطره به یاد دارد. در این باره برایمان می‌گوید: در خاطرم هست که از مشهد برای پدرم میهمان آمده بود. دور تا دور اتاق علمایی نشسته بودند که بعضی هایشان عمامه سیاه و برخی سفید به سر داشتند. بعد ها که درباره این خاطره از مادرم سؤال کردم گفت مرحوم آیت... شیرازی، مرحوم آیت... میلانی و آیت... کوهستانی از مشهد برای دیدار پدر به قائن آمده بودند. به رسم تعارف هم کیسه‌ای سیب برایمان آورده بودند. تا چشمم به سیب‌ها افتاد، دلم خواست. با همان جثه نحیف، کیسه را کشان کشان به اتاقی که مادرم در آن بود، بردم. مادرم دعوایم کرد که چرا جلو میهمان‌ها چنین کاری کرده‌ام. تنها تصویری که از مرحوم پدر در ذهن دارم، همان است که با میهمان‌هایش در اتاق نشسته بود و با آن‌ها صحبت می‌کرد. مهدوی الحسینی هر آنچه از پدرش برایمان نقل می‌کند، از اطرافیان و به خصوص مادرش شنیده است. او به زهد و علم پدرش اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: پدرم عالم بزرگی در قائن بود و دست اخوت با آیت... بروجردی داده بود و از شیخ نخودکی برای انجام امور دینی در قائن اذن داشت. آیت... سید حسین یعقوبی قائنی در بخشی از خاطراتش در کتاب «سفینه الصادقین» به علم و زهد پدرم و دیداری که با او داشته، اشاره کرده است.

بیماری مجالی برای این عالم بزرگ نگذاشت. پدر برای مداوا راهی تهران شد. اما درمان جواب نداد و این عالم بزرگ سال ۱۳۴۳ در تهران از دنیا رفت. پیکر او در قبرستان حاج شیخ عبدالکریم، معروف به قبرستان نو، در قائن به خاک سپرده شد.

او آن روزها را به خاطر نمی‌آورد اما طعم تلخ یتیمی را در همه سال‌های کودکی و نوجوانی با گشت و پوستش حس کرده است. او می‌گوید: زمینی داشتیم که با فروش محصول آن، زندگی مان را می‌گذرانیدیم. البته مرحوم مادرم با خیاطی، خرج من و سه برادرم را تأمین می‌کرد.



مقامات فرهنگی و اجتماعی شهرستان قائن در کنار آیت... سید علی مهدوی الحسینی (پدر آقای مهدوی)

یک روز بازداشت بودم

دوره نوجوانی و جوانی آقاسید محمد مصداف باروهای خروش مردم ایران علیه رژیم پهلوی بود. مهدوی می گوید: برادر بزرگم دانشجوی سال سوم دانشگاه تهران بود. به واسطه آشنایی با دانشجویان مبارز، هر زمان که به خانه می آمد، اعلامیه ها و نوارهای کاست امام خمینی^(ره) را با خود می آورد و با هم میان مبارزان شهرمان توزیع می کردیم. آقاسید محمد یک بار حین توزیع اعلامیه توسط مأموران رژیم دستگیر شد. او آن روز را برایمان این طور روایت می کند: سال سوم دبیرستان بودم و اعلامیه ها را برادرم تازه از تهران آورده بود. مشغول انداختن اعلامیه ها از زیر در به داخل حیاط منازل بودم که دستگیر شدم. یک روز در بازداشتگاه بودم و آن هاسعی داشتند با نصیحت مرا از کارم منصرف کنند. می گفتند تو فرزند فرد شناخته شده ای هستی و نباید دنبال این آدم های خرابکار بروی. آن ها نصیحتم می کردند و من خیره خیره در صورتشان نگاه می کردم و از امام خمینی^(ره) تعریف می کردم.

جرقه ای برای شاعری

شعر گفتن را زمانی که ۳۵ سال داشت، شروع کرد. تا قبل از آن حتی یک بیت شعر نگفته بود. او در این باره توضیح می دهد: سال ۱۳۷۴ بود که پسر عمه ام، مرحوم آیت... سید محمد علی فقیه، به رحمت خدا رفت. تحت تأثیر این غم، شعری در رثای این عالم گفتم. البته حالا که به آن نوشته رجوع می کنم، متوجه شدم نقص های بسیاری دارد. اما آنچه سرودم، اولین شعر بلندم محسوب می شد. بعد از آن احساس کرد که طبع شعر دارد؛ به همین دلیل در شب شعرهای اداره ارشاد و آستان قدس رضوی شرکت کرد. آنجا هم برای او کلاس آموزش بود و هم جایی که بتواند شعرهایش را در حضور استادان بخواند.

آخرین دیدار ۲ برادر

با تعطیلی مدارس و دانشگاه ها، برادرش از تهران به قائن آمد تا در تظاهرات و انسجام مردم شهرش حضور داشته باشد. مهدوی در صحبت هایش به روز شهادت برادر اشاره می کند و می گوید: دو روز بعد از عاشورا مصداف با ۲۲ آذر سال ۵۷ بود. برای راهپیمایی به خیابان رفته بودیم. از صبح خیابان ها صحنه آتش زدن لاستیک و تیراندازی بود. در حال نوشتن شعار روی دیوار بودم که برادر بزرگم، سید حسین، خودش را به من رساند و گفت «چه کاری کنی؟ در روز روشن که نباید شعار نویسی کنی!» مشغول صحبت بودیم که فریاد زدند: «مأمورها آمدند! فرار کنید». مأموران گاز اشک آور پرتاب و شروع به تیراندازی کردند. در میان دود و آتش از هم دور شدیم و متوجه نشدم که برادرم به کدام سمت رفت. عده ای فریاد زدند که «نترسید؛ تیرها مشقی است». اما سر که چرخاندم؛ دیدم مردم مثل برگ درخت روی زمین افتاده اند.

بعد از اتمام تیراندازی مأموران، مردم، مجروحان را به بیمارستان منتقل کردند. به آقاسید محمد هم اطلاع دادند که برادرش را بین زخمی ها دیده اند. اما او نمی خواست باور کند یا خودش می گفت چند دقیقه قبل از آمدن مأمورها سید حسین را دیده است؛ حتما فرار کرده. شاید هم او را با فرد دیگری اشتباه گرفته اند. باین حال برای اطمینان بیشتر به بیمارستان رفت و متوجه شد برادرش و چند نفر دیگر به شهادت رسیده اند. روز بعد، تشییع پیکر شهید اباشکوه تمام برپا شد. بعد از پیروزی انقلاب و با هماهنگی آموزش و پرورش، مدرسه ای که شهید سید حسین مهدوی الحسینی در آن تحصیل می کرد، به نام او نام گذاری شد.

دیدار یار

پس از سپری شدن چهلیم شهادت برادرش، یکی از اقوامشان که ساکن تهران بود، برای تغییر روحیه آن ها را چند ماهی به پایتخت دعوت کرد؛ روزی که رسیدیم ۱۲ بهمن ۵۷ و هم زمان با ورود امام خمینی^(ره) بود. بعد از استقرار موقت امام در مدرسه رفاه (جنب مدرسه علوی)، با توجه به نزدیک بودن محل اقامتمان به این مدرسه، پنج بار همراه جمعیت به دیدار امام^(ره) رفتم. ایشان از پنجره برای مردم دست تکان می دادند. در آن لحظه ها به این فکر می کردم که بالاخره خون شهدای ما به ثمر نشست و امام^(ره) به میهن بازگشت. در آن لحظه ها این موضوع برایم بسیار شیرین بود. البته سال ها بعد نیز که خانواده شهید ابا دیدار رهبری می رفتند، ما هم به اتفاق مادرم خدمت حضرت امام^(ره) رفتیم.

دفاع از میهن

محمد آقادر بهمن ۱۳۶۰ ازدواج و هم زمان کارش را در اداره مخابرات آغاز کرد. از آنجایی که به خواندن دروس حوزه علاقه داشت، تحصیل در مدرسه علمیه را شروع کرد. مدتی درس خواند، اما آن را رها کرد؛ زیرا کشورمان در حال دفاع مقدس بود. برای آقاسید محمد حضور در جبهه، ضروری تر از رفتن به حوزه بود. به همین دلیل سال ۱۳۶۲ برای پنج ماه راهی جبهه شد. این باز نشستگی مخابرات می گوید: از طریق جهاد سازندگی اعزام شدم. هنگامی که به سمنج رسیدیم، قرار شد به همراه چند رزمنده دیگر پنج ماه در سردشت بمانیم.

برای هر موضوعی شعر می گویم

برای نوشتن شعر نیاز به خلوتی دارد که در آن با آرامش اشعارش را بنویسد. در این باره می گوید: صبح ها بعد از نماز صبح، بهترین زمان برای شعر گفتن است. بیشتر اشعاری که برای ائمه^(ع) سروده ام یا مناجات هایی که نوشته ام، در این زمان بوده است. مضمون بیشتر اشعارش، درباره معصومان^(ع)، به خصوص پیامبر اکرم^(ص)، حضرت فاطمه زهرا^(س)، امام حسین^(ع)، امام علی^(ع) و امام زمان^(عج) است. می گوید: شاید بتوان گفت برای هر معصوم بیش از سی شعر متفاوت در موضوعات مختلف سروده ام. البته احادیثی از ائمه^(ع) را نیز به شعر تبدیل کرده ام.

گاهی روزی چند شعر می سراید و گاهی هم چند روز، یا حتی یک هفته، حتی یک بیت هم نمی سراید. مهدوی الحسینی معتقد است شعر گفتن یک احساس درونی است و باید خود جوش باشد. او می گوید: شعر مانند الهام است. گاهی مطلع شعری به ذهنم می آید. آن را یادداشت می کنم و در روزهای بعدی، سرفرصت، ادامه آن را تکمیل می کنم.

احادیثی که به شعر تبدیل شد

برای بسیاری از علما، احادیث را به شعر تبدیل کرده است تا برای شیرین تر کردن منبرهایشان از آن استفاده کنند. او می گوید: چندی قبل، آیت... دکتر محمد علی رضایی بیرجندی در فضای مجازی، پیامی ارسال کرد و از من خواست سوره لیل را برای کتابش که قرار است به چاپ برسد، به شعر تبدیل کنم. من هم افتخار آن را داشتم که بتوانم مفاهیم این سوره را به شعر تبدیل کنم.

برای هر موضوعی که فکرش را بکنید شعری دارد؛ از گرانی دلار و سکه گرفته تا تولد اطرافیان. او می گوید: به نظرم شعر باید محتوای داشته باشد و بازتابی از درد دل جامعه و مردمی باشد که با آن هازندگی می کنیم. شعر آینه خواسته های مردم است و شاعر باید بر اساس دغدغه های مردمی طبعش را بکار گیرد. در این صورت است که شنونده، آن را می پذیرد.

اجتماعات شبانه و شور حماسی

بسیاری از شعرهایی که در اجتماعات شبانه مردمی چهارراه مقدم خوانده می شود، سروده این شاعر محله پروین اعتصامی است؛ شعرهایی درباره حماسه حضور مردم و ایباتی که در آن از مظلومیت مردم فلسطین و غزه گفته شده است. مهدوی الحسینی درباره اینکه اشعارش چگونه به اجتماعات شبانه مردمی راه پیدا کرده است، توضیح می دهد: از همان لحظه اولی که خبر شهادت رهبرمان را شنیدم، مانند همه مردم کشورمان غمگین شدم. شعری هم در این زمینه گفته ام. از لحظه ای که به فرمان رهبرمان، آیت... سید مجتبی خامنه ای، به خیابان آمدم و حضور پر شور مردم را دیدم، احساساتم غلبان کرد و برای مردم غیوری که با حضورشان از انقلاب و رهبری حمایت می کنند، شعری گفتم. آن را برای مسئول اجتماعات شبانه مردمی خواندم و قرار شد روی سن برای مردم اجرا کنیم. علاوه بر اجتماعات محله خودمان، به دیگر محلات منطقه ۸ هم رفته و اشعارم را خوانده ام. او درباره بازتاب ایباتی که در اجتماعات می خواند، می گوید: مردمی که در اجتماع حضور دارند، پیش من می آیند و آنچه خوانده ام، تعریف و تمجید می کنند. همین موضوع انگیزه ای برای ادامه دادن کارم است. به نظرم سخنی که از دل برآید، لاجرم بر دل می نشیند.

احمد ثقفی خاطرات ریز و درشتی از زندگی در محله امام رضا (ع) دارد

پای منبر شاگردم نشستم



ایستگاه اول

نجمه موسوی زاده متولد شهرستان قائن و فرهنگی است. بارها تقاضای انتقالی به مشهد را از اداره آموزش و پرورش شهرستان خود پیگیری کرده بود اما با درخواستش موافقت نمی شد. احمد ثقفی سابقه تدریس در پایه ابتدایی را دارد و سال هانیز در مرکز مشاوره آموزش و پرورش به عنوان روان شناس فعالیت داشت. سال ۹۴ با درخواست انتقالی او به عنوان معلم پایه ابتدایی در مشهد موافقت شد. او عاشق زندگی در همسایگی امام رضا^(ع) بود؛ با این تصمیم راهی مشهد و ساکن محله امام رضا^(ع) شد. احمد آقا که در کوچه حمیدیه ۲۲ ساکن است، در این سال ها علاوه بر تدریس، شاهد اتفاقات و خاطرات بسیاری در محله بوده است.



○ سال ۹۴ در پایه ششم دبستان عدالت واقع در کوچه امام رضا ۶۷ تدریس می کردم. بعضی از دانش آموزان درس نمی خواندند. تصمیم گرفتم کلاس را کارگاهی برگزار کنم. هنوز سه ماه از آغاز سال تحصیلی نگذشته بود که همان دانش آموزان به بچه هایی علاقه مند به درس، فعال و منظم تبدیل شدند.

○ اولین باری که برای نماز به مسجد نور در کوچه ثامن الائمه ۸ رفتم امام جماعت مسجد به چشمم آشنا بود. پس از پایان نماز خودش به سمتم آمد و گفت: من قاسم جانی هستم. بیست سال پیش در قائن شاگرد شما بودم. همان چند جمله کافی بود تا به شغلم افتخار کنم.



ایستگاه دوم

ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

○ دو سال پیش به ترمینال رفته بودیم تا عازم سفر شویم. آن روزها در مشهد سیل آمده و در ترمینال آب جمع شده بود. همان جاتصمیم گرفتم موضوع آب گرفتگی فضای بیرونی ترمینال را با شهرداری در میان بگذارم. مدتی بعد پیگیری هایم نتیجه داد.



ایستگاه پنجم

○ مسیر برگشت پسر از مدرسه از پارک جهان شهر می گذرد. اومی گفت اگر در پارک فرهنگ سرایی هم ساخته شود خوب است. یک بار با او نشستیم و همین درخواست را نوشتم تا به شهرداری بدهم. می خواستم یاد بگیرد اگر مطالبه ای دارد، باید آن را مطرح و پیگیری کند.

ایستگاه ششم

○ حاج آقا محبی از کاسبان خوش نام محله بود. تا حدود یک سال پیش، مغازه خواربار فروشی داشت و به اهالی کالای نسیم می فروخت. اگر کسی نمی توانست بدهی اش را سر موعد بپردازد، به او سخت نمی گرفت. حال به دلیل کهولت سن، خودش را بازنشسته کرده و مغازه اش هم بنگاه املاک شده است.

○ حدود دو ماه پیش بود که یک باره دیدیم آب زیادی در خیابان جاری شده است. با پرس و جو فهمیدیم که به دلیل حفاری شرکت آب، زمین نشست کرده و آب بیرون زده است؛ حیفمان آمد این حجم آب هدر برود. یکی از همسایه ها پمپ داشت. با کمک او آب را جمع آوری کردیم و پای درختان کوچه ریختیم تا از این آب بی نصیب نمانند.



نمایشگاه دست سازه های چوبی ۶۰ دانش آموز در موزه بزرگ خراسان برپا شد

جادوگران کوچک سرزمین چوبی



صندوق
خاطرات

● نمایش استعداد ۶۰ دانش آموز

مسئول برگزاری نمایشگاه دست سازه های چوبی کودکان از حضور شصت دانش آموز دختر و پسر در این نمایشگاه خبر می دهد و می گوید: نمایشگاه در دو بخش نجاری و معرق چوب برگزار شد و دانش آموزان آثار خود را پس از ماه ها آموزش و تمرین به نمایش گذاشتند. سعید منظمی ادامه می دهد: هدف اصلی ما افزایش اعتماد به نفس کودکان و ایجاد انگیزه در آن ها بود. بسیاری از این دانش آموزان برای نخستین بار آثار خود را در معرض دید عموم قرار دادند و این موضوع تجربه ارزشمندی برای آن ها خواهد بود. او می افزاید: نمایشگاه دست سازه های چوبی کودکان در این رده سنی برای نخستین بار در سطح استان برگزار و خوشبختانه با استقبال بسیار خوب خانواده ها و بازدید کنندگان روبه روشد.

● ۳ ماه زمان، برای ساخت کشتی چوبی

شایان قنبری، دانش آموز ده ساله، به کشتی چوبی ای که ساخته است، اشاره می کند و می گوید: برای ساخت این کار حدود سه ماه وقت گذاشتم. اول سخت بود، اما کم کم یاد گرفتم چطور با ابزار کار کنم. وقتی دیدم مردم برای دیدن کارم می ایستند، خیلی خوشحال شدم. در گوشه دیگری از سالن، یزدان هامها، دانش آموز کلاس پنجم، کامیون چوبی خود را به بازدید کنندگان نشان می دهد. او می گوید: سپر، شمشیر، هواپیما و تور بسکتبال را در طول سال تحصیلی ساختم. اولین وسیله ای که درست کردم، شمشیر بود و وقتی تمام شد، خیلی ذوق داشتم. دوست دارم در آینده وسایل بیشتری مثل ساعت دیواری بسازم.

ابتدایی است تا بتواند علاوه بر کشف توانایی های آن ها، زمینه رشد و شکوفایی ذوق هنری کودکان را نیز فراهم کند. زهرآشوستری بایان اینکه یکی دیگر از اهداف برگزاری این برنامه ها تقویت تعاملات اجتماعی کودکان است، ادامه می دهد: برگزاری چنین نمایشگاه هایی از یک سو سبب شناسایی و معرفی استعدادها می شود و از سوی دیگر فرصتی برای حضور فعال کودکان در اجتماع و برقراری ارتباط با دیگران فراهم می کند. او می افزاید: اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، کارگاه های آموزشی متنوعی در مدارس سراسر استان، حتی مناطق عشایری، برگزار کرده است. این کارگاه ها شامل نجاری، نقاشی، تصویرگری، داستان نویسی، سفالگری و سایر فعالیت های هنری است تا دانش آموزان بتوانند توانایی های خود را در حوزه های مختلف بسنجند و علاقه خود را پیدا کنند.



● پرورش استعداد های کودکان

روز اول نمایشگاه است و چند مسئول برای بازدید آمده اند. کودکان کنار آثار خود ایستاده اند و با هیجان درباره نحوه ساخت آن ها توضیح می دهند. نگاه و لبخند روی صورت بچه ها نشان می دهد که برای آن ها این نمایشگاه، فرصتی است تا نتیجه ساعت ها تلاش خود را به دیگران نشان دهند. معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی در حاشیه بازدید از این نمایشگاه توضیح می دهد: آموزش و پرورش با اجرای برنامه های مختلف مهارت آموزی به دنبال شناسایی استعداد های دانش آموزان در دوره

نوجوان محله المهدی (عج) مکبر، قاری و حافظ جزء ۳۰ قرآن است

مسیر روشن پوریا



هنگامی که بچه ها در مدرسه پر خاشگری می کنند یا حرف بدی می زنند، با سوره های قرآن به آن ها یادآوری می کنم که یکدیگر را با نام های بد خطاب قرار ندهند.

● چطور از حفظ به قرائت علاقه پیدا کردی؟

دو سالگی می شود که در زمینه قرائت فعالیت می کنم. پسرانی را که برای قاری شدن مشغول تمرین بودند، دیدم و دوست داشتم در این زمینه هم شانسم را امتحان کنم. هنگامی که مربی مان گفت در این زمینه استعداد دارم، خوشحال شدم و تمرین را شروع کردم.

● دوست داری قرائت را ادامه بدهی یا حفظ را؟ در حال حاضر تمرکز ما روی قرائت گذاشته ام. دلم می خواهد در این زمینه فعالیت بیشتری داشته باشم.

● به جز مدرسه و مسجد، جای دیگری هم فعالیت قرآنی داری؟

هنگامی که به روستایمان در شهرستان فریمان می روم، در مسجد روستا به بچه های هم سن خودم روخوانی و روان خوانی یاد می دهم. داستان های قرآنی را برایشان تعریف می کنم. آن ها هم علاقه مند هستند. دوست دارم روزی بتوانم برایشان کلاس های حفظ و روخوانی و روان خوانی برپا کنم.

● در اوقات فراغت چه کاری انجام می دهی؟ اگر تمرین قرائت نداشته باشم، داستان های قرآنی و زندگی نامه پیامبران و ائمه (ع) را می خوانم و با دوستانم بازی می کنم.

● از نظر اخلاقی چه تأثیری رویت داشته است؟

اعتماد به نفسم را بیشتر کرده و سبب شده است در برنامه های مدرسه و مسجد به عنوان قاری و مکبر حضور داشته باشم.

● تا حالا شده که از آیات قرآن در زندگی روزانه ات استفاده کنی؟

همیشه این کار را انجام می دهم. برای مثال در این روزها که کشورمان با رژیم صهیونیستی آمریکایی در حال جنگ است، برای اطرافیانم آیه ۱۳۹ سوره آل عمران را می خوانم که خداوند می گوید پیروزی با مؤمنان است.

● چطور به حفظ علاقه مند شدی؟

قبل از اینکه به دبستان بروم، مادرم سوره های کوچک را با من تمرین می کرد. وقتی مادرم دید خیلی زود و سریع حفظ می کنم و به آن علاقه دارم، کتاب قرآن کلاس اول دبستان را از یکی از دوستانمان گرفت و با من کار کرد. وقتی به کلاس اول رفتم، تمام سوره های آن کتاب را می توانستم بخوانم. مادرم در زمینه حفظ بسیار کمک و تشویق می کرد.

● چرا یک سال طول کشید تا جزء ۳۰ را حفظ کنی؟

سال ۱۴۰۱ که با مؤسسه حفظ قرآن آشنا شدم، گفتند ابتدا باید روخوانی، روخوانی و تجوید را کار کنم. به همین دلیل مدتی روخوانی را تمرین و در کنارش حفظ را شروع کردم.



امید محله



در پی تماس شهروند با شهرآرامحله و اقدام اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸

جدول شکسته مرمت شد



بازخورد



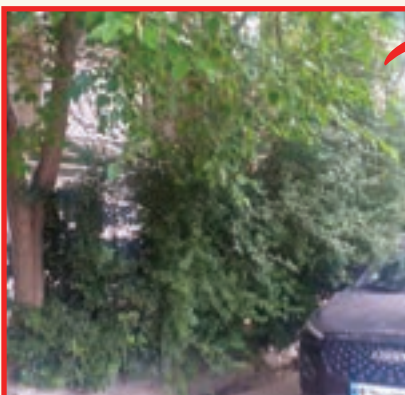
نجمه موسوی زاده یکی از شهروندان محله شهید بهشتی ضمن تماس با شهرآرامحله از شکستگی جدول تقاطع خیابان شهید نامجو و شهید جودی ثانی خبر داد و گفت: این جدول مدت هاست شکسته است و علاوه بر ایجاد نازیبایی در معبر، می‌تواند برای عابران و خودروهای عبوری نیز مشکل ایجاد کند. پس از انتقال این درخواست از سوی شهرآرامحله به سبجان ضیائی، رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸، نیروهای این اداره در محل حاضر شدند و برای مرمت و اصلاح جدول اقدام کردند. رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸ توضیح داد: جدول معابر علاوه بر هدایت آب‌های سطحی، نقش مهمی در حفظ ایمنی و سامان‌دهی معابر دارند؛ به همین دلیل هرگونه شکستگی یا آسیب دیدگی آن‌ها در اولویت رسیدگی قرار می‌گیرد. ضیائی افزود: تلاش می‌کنیم با انجام بازدیدهای میدانی و دریافت گزارش‌های مردمی، مشکلات این بخش از معابر را در کوتاه‌ترین زمان ممکن برطرف کنیم.

با پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ انجام شد

خلاص شدن حمیدیه ۲۲ از شاخه‌های مزاحم



بازخورد



نجمه موسوی زاده بعد از انتشار خبر هرس شمشادهای خیابان امام رضا ۶۷ در شماره هفته گذشته شهرآرامحله، یکی از ساکنان محله امام رضا(ع) با ارسال پیامی، خواستار رسیدگی به وضعیت درختان کوچه حمیدیه ۲۲ شد. این شهروند در پیام خود نوشت: «کوچه مادر امتداد خیابان امام رضا ۶۷ است و درختان مقابل منظره زیاده‌ای کرده، به طوری که شاخه‌های آن تا داخل خانه آمده است. این شاخه‌ها برای عابران هم مزاحمت ایجاد می‌کند و گاهی هنگام عبور به سروصورت آن‌ها برخورد می‌کند.» شهرآرامحله این درخواست را به مهدی مقدم، رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸، منتقل کرد. پس از پیگیری‌ها، نیروهای فضای سبز، در کمتر از ۴۸ ساعت، این درخت را هرس کردند. با حذف شاخه‌های اضافی، مسیر تردد عابران گشوده و مشکل ساکن این کوچه نیز برطرف و چهره کوچه مرتب‌تر شد.

رضایت کسبه با پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره عمران منطقه ۸ جلب شد

رفع خطر از پیاده‌رو خیابان امام رضا(ع)



بازخورد



نجمه موسوی زاده کسبه خیابان امام رضا(ع) از نشست بخشی از پیاده‌رو مقابل مغازه‌های خود به شهرآرامحله گفتند. آن‌ها از این موضوع گلایه داشتند که حدود سه ماه است زمین نشست کرده و با اینکه با سامانه ۱۳۷ تماس گرفته‌اند، اقدامی انجام نشده است. کسبه می‌گفتند: «هر روزی که می‌گذرد، پیاده‌رو بین کوچه‌های امام رضا ۶۹ و ۷۱ بیشتر فرومی‌رود و آن‌طور که فضای خالی ایجاد شده زیر موزاییک‌ها مشخص است، احتمال ریزش و خطر سقوط عابر پیاده بسیار زیاد است.» پس از انتقال این موضوع از سوی شهرآرامحله به رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸، موضوع در دستور کار قرار گرفت و در کمتر از یک روز، عملیات مرمت پیاده‌رو انجام شد. با رفع فرورفتگی و اصلاح موزاییک‌ها، خطر احتمالی برای عابران برطرف و رضایت کسبه جلب شد.